دو فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۱۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۵- ۳۲

اثر سرمایه دینی بر رفتار پرداخت قرض‌الحسنه

مرتضی عزتی *
پرویز نصیرخانی **
مریم حسینی ***

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۱۰
تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۱۰

چکیده

رفتارهای اقتصادی جامعه از مباحث مهم اقتصاد به‌ویژه اقتصاد اسلامی است. در این زمینه، یکی از ضعف‌های بررسی‌های اقتصاد اسلامی کمبود بررسی تجربی در زمینه رفتارهای مسلمانان است. در این مقاله، کوشیده شده است در یک بررسی تجربی، در سطح خرد اثر سرمایه اجتماعی دینی با ابزار آزمون شده ژنراتور منابع همراه با درآمد، سن و دارایی بر رفتار پرداخت قرض‌الحسنه در سطح خرد برآورد شود. داده‌های این بررسی با استفاده از پرسشنامه گردآوری و با روش اقتصادسنجی تحلیل شده است. جامعه آماری این بررسی خانوارهای ساکن در شهر زاهدان هستند و نمونه بررسی ۵۰٤ نفر از سرپرستان خانوارهای این جامعه است. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که سرمایه دینی، دارایی، درآمد، داشتن پس‌انداز و سود دریافتی از سرمایه‌گذاری‌های مالی فرد اثر مثبت بر اندازه پرداخت قرض‌الحسنه آنها دارد و سن، اثر منفی بر این پرداخت دارد. همچنین بعد خانوار و تحصیلات اثر معناداری بر پرداخت قرض‌الحسنه ندارد. نوآوری‌های این مقاله آزمون تجربی در سطح خرد نظریه اسلامی، وارد کردن سرمایه دینی بر پایه ابزارهای شناخته شده علمی در بررسی، همراه با دیگر متغیّرهای اثرگذار بر رفتار اقتصادی است.

واژگان کلیدی

قرض‌الحسنه، سرمایه دینی، رفتار مصرف‌کننده، سرمایه‌گذاری

طبقه‌بندی JEL: Z12, E62, C23

* استادیار دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) mezzati@modares.ac.ir
** استادیار دانشگاه پیام‌نور parnasirkhani@gmail.com
*** دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد دانشگاه پیام‌نور m.hosseini_edu@yahoo.com

مقدمه

رفتار پرداخت‌کنندگان قرض‌الحسنه و عوامل اثرگذار بر آن از نگاه علمی و اجرایی با چالش‌هایی روبرو است. از دیدگاه نظری پرداخت قرض‌الحسنه و صرف‌نظر کردن از سود به کارگیری پول برای به دست آوردن سود، به ایمان و سرمایه دینی افراد بستگی دارد. در کنار آن عوامل مهمی از جمله درآمد، دارایی، سن و مانند اینها نیز در توانایی برای پرداخت قرض‌الحسنه اثر دارند. با این وجود بررسی تجربی چندانی در خصوص نظریه رفتارهای فردی سفارش شده دین در سطح خرد انجام نشده است. در این مقاله در پی بررسی تجربی علمی در باره این دو پرسش مهم درباره قرض‌الحسنه هستیم که آیا رفتار پرداخت قرض‌الحسنه از سرمایه دینی افراد اثرپذیر است و آیا عامل‌های دیگری که در پرداخت‌های دیگر افراد اثر دارند در این زمینه نیز اثرگذار هستند؟ به سخن دیگر چه عوامل مهمی در کردار پرداخت‌کننده قرض‌الحسنه اثرگذار هستند؟

برای پاسخ به این پرسش با نگاه به بررسی‌های نظری و تجربی انجام شده در زمینه قرض‌الحسنه درپی ارزیابی و آزمون اثر سرمایه دینی و دیگر عوامل اثرگذار بر کردار پرداخت قرض‌الحسنه هستیم. با توجه به اینکه محور موضوع این بررسی کردار پرداخت قرض‌الحسنه است، کوشش می‌کنیم بر پایه نظریه رفتارهای اقتصادی در چارچوب اسلامی مدلی را برای این بررسی بسازیم و با به کارگیری داده‌های واقعیت رخ داده و گردآوری آن با روش میدانی، در یک بررسی تجربی با به کارگیری روش‌های اقتصادسنجی این مدل را برازش کنیم. از یافته‌های این برازش اثر سرمایه دینی و دیگر عوامل مهم را بر اندازه قرض‌الحسنه پرداخت شده افراد در یک سال برآورد کنیم و از این راه به این دو پرسش مهم پاسخ بدهیم.

بر این پایه در این مقاله با درنظر گرفتن محدودیت‌های آماری، برای مدل مورد نظر، متغیّرهای درآمد، سود سرمایه‌گذاری‌ها، دارایی، سن سرپرست خانوار و سرمایه دینی و به عنوان متغیّرهای توضیحی انتخاب شده‌اند. مدل ساخته شده به روش داده‌های تابلویی اقتصادسنجی برآورد شده است. داده‌های به کار رفته با ابزار پرسشنامه و روش مصاحبه گرداوری شده است.

نوآوری‌های این مقاله نخست برآورد این مدل برای نخستین بار در ایران و به تبع

آن در ادبیات این موضوع در جهان است و دوم وارد کردن اندازه سرمایه دینی و انواع درآمد به عنوان عوامل اثرگذار بر اندازه کردار پرداخت قرض‌الحسنه است که اثر آنها نیز به خوبی در نتیجه برآوردها نشان داده شده است و یافته‌های این برآورد را از بررسی‌های دیگر متمایز کرده است. در این نوشتار نخست به پیشینه بررسی و سپس به چارچوب پژوهش اشاره می‌شود. آنگاه برآورد الگو به روش اقتصادسنجی انجام می‌شود. در پایان جمع‌بندی و یافته‌ها آورده می‌شود.

۱. اشاره نظری

چنانچه یک انسان به وجود جهان پس از مرگ باور داشته باشد و بپذیرد که پس از مرگ نیز زندگی دیگری خواهد داشت که نیازهای آسایشی آن زندگی را باید در این جهان فراهم کند، در زندگی این جهان بخشی از دارایی خود را صرف کردارهایی خواهد کرد که در جهان پس از مرگ ابزار آسایش او را فراهم کنند. از کردارهایی که می‌تواند بخشی از این ابزار آسایش زندگی پس از مرگ را فراهم کند، پرداخت قرض‌الحسنه به نیازمندان است. اما باید توجه داشت که درجه ایمان افراد به وجود حیات پس از مرگ، خدا و واقعیت‌های دینی برابر نیست. پس افراد به تناسب درجه ایمان به زندگی پس از مرگ برای زندگی پس از مرگ ارزش قایل خواهند شد و به تناسب این ایمان، کردار خیر و از جمله پرداخت قرض‌الحسنه انجام خواهند داد (البته به شرط برابری دیگر شرایط).

با فرض وجود ایمان دینی از عوامل دیگری که در اندازه هزینه‌های افراد برای کارهای گوناگون مانند پرداخت قرض‌الحسنه اثر دارد، درآمد آنها است. چنانچه افراد درآمد و دارایی کافی نداشته باشند امکان پرداخت قرض‌الحسنه نخواهند داشت. در نتیجه با افزایش درآمد انتظار می‌رود با ثبات دیگر شرایط و وجود ایمان، پرداخت قرض‌الحسنه افزایش بیابد. به طور ویژه سرمایه دینی می‌تواند محرک خوبی برای توسعه کردارهای فردی و اجتماعی و سفارش شده دین مانند توسعه قرض‌الحسنه باشد. افزون بر این ویژگی‌های دیگر فردی نیز می‌تواند از راه‌های گوناگونی بر کردارهای پرداخت قرض‌الحسنه اثر داشته باشد، به ویژه اینکه قرض‌الحسنه خود نیز از

کردارهای مالی است و ویژگی‌ها و توانایی‌های مالی در این زمینه بر این کردار اثر مهمی دارند (عزتی، ۱۳۹٤).

در این زمینه گفتنی است که علت کردارهای خیر تنها دستیابی به زندگی بهتر در جهان پس از مرگ نیست، افزون بر این عامل‌ها، هدف‌های دیگری مانند احساس رضایت معنوی از کار خیر، ارضای حس نوع دوستی، بهبود وضعیت جامعه، آرامش درونی و بهبود جایگاه اجتماعی فرد نیز می‌تواند موجب هزینه‌های در راه خدا مانند پرداخت قرض‌الحسنه بشود (عزتی،۱۳۹٤، ص۱۰۲). با این وجود نظر به اینکه مردم ایران مسلمان هستند و عوامل دینی و اقتصادی در این هزینه کردن مهمتر هستند، در اینجا بر آنها تأکید شده است.

برای تبیین بهتر مسأله، به مفهوم و ابعاد سرمایه دینی و چگونگی اثرگذاری آن بر اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی اشاره می‌شود.[۱]

۲. سرمایه دینی

مفهوم سرمایه دینی به صورت خام بیش از ۳۰ سال پیش وارد ادبیات اقتصاد شده است، اما برداشت‌های اولیه نسبت به این مفهوم بسیار ناقص بوده است و آن را بیشتر به عاملی برای مصرف تعبیر کرده‌اند. با این وجود ما با توجه به مبانی و مفاهیم اسلامی، مفهوم کامل‌تری از سرمایه مذهبی را مدنظر داریم[۲]. سرمایه دینی به مجموعه نهادها، کارکردها، تجربه‌ها، اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، دانش، قوانین و مقررات، نمادها و واقعیت‌های محیطی فیزیکی و غیرفیزیکی و مانند آن در جامعه می‌گوییم که از وجود دین ریشه گرفته باشد. سرمایه دینی به‌طور روشن موجب ایجاد و خلق فعالیت‌های ویژه می‌شود و می‌توان آن را نوعی ایجاد کننده دانست، مانند سرمایه اقتصادی که ایجادکننده محصول یا سرمایه انسانی که موجب رشد تولید است. سرمایه دینی موجب ایجاد و افزایش کردارهای توصیه شده در دین می‌شود، برای مثال انجام واجبات و مستحبات دینی و کردارهای در راه خدا که از جمله پرداخت قرض‌الحسنه می‌شود. سرمایه دینی به دو بخش سرمایه دینی فردی و سرمایه دینی اجتماعی جدا می‌شود.

۲-۱. سرمایه دینی فردی

به مجموعه دین انتخابی و اعتقادات، باورها، دانش، تجربه‌ها، ارزش‌ها و عادت‌های حاصل از مشاهده، تجربه و پیروی از دین و یا درباره دین نزد فرد، سرمایه دینی فردی می‌گوییم. به سخن دیگر این عناصر دینی، شکل‌دهنده و ساختار بخش رفتارهای فرد هستند. این عناصر عبارتند از: کیفیت دین انتخابی فرد، اعتقادات، باورها، دانش، هنجارها، تجربه‌ها و عادت‌های دینی فردی که انسان را وادار و تشویق به انجام بیشتر کردارهای سفارش شده دین می‌کند. در اثرگذاری این سرمایه، نقش اساسی را عمق و گستردگی هریک از عناصر شکل‌دهنده آن بازی می‌کنند و موجب خلق و افزایش رفتارهای ویژه سفارش شده دین، از سوی فرد می‌شود.

۲-۲. سرمایه دینی اجتماعی

به مجموعه نهادها، کارکردها، قوانین و مقررات، ارزش‌ها، اعتقادها، هنجارها، دانش، تجربه، نمادها و سمبل‌های برخواسته و شکل‌دهنده ساختار دینی جامعه، سرمایه دینی اجتماعی می‌گوییم. به سخن دیگر می‌توان گفت مجموعه عناصر شکل‌دهنده ساختار دینی هر جامعه، سرمایه دینی آن جامعه است که این عناصر عبارتند از: کیفیت دین حاکم در جامعه (اصول اعتقادی و قوت، دقت و درستی آن)، نهادهای دینی جامعه، کارکردهای دینی نهادهای اجتماعی، قوانین و مقررات دینی حاکم در جامعه، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای دینی جامعه، دانش و مهارت‌های دینی جامعه، فضاها، نمادها و سمبل‌های دینی جامعه، و مانند اینها که افراد جامعه را وادار و تشویق به انجام بیشتر کردارهای سفارش شده دین می‌کنند. یک بخش از این مجموعه که می‌توان نماینده خوبی برای بیشتر این مجموعه باشد پیوند دینی میان افراد باشد. پیوند دینی دربرگیرنده و نشانه وجود بسیاری از اینها است. از این رو در این بررسی از یک ابزار سنجش سرمایه اجتماعی دینی که برای سنجش پیوندهای دینی فردی در جامعه ساخته شده است استفاده می‌کنیم و با آن سرمایه اجتماعی دینی افراد را اندازه‌گیری می‌کنیم.

۲-۳. اثرگذاری سرمایه دینی بر کردارهای اقتصادی جامعه

سرمایه دینی دربرگیرنده عناصر گوناگونی است. این عناصر می‌توانند به صورت‌های گوناگون بر کردارهای اقتصادی اثرگذار باشند. از مهمترین این کردارها عبارتند از: افزایش کردارها در راستای سفارش دین، کاهش فقر، بهبود توزیع دارایی و درآمد، افزایش رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، افزایش شفافیت بازارها و گسترش اطلاعات درست و سودمند، اصلاح مصرف فرد و جامعه، اصلاح ساختار و عرضه و تقاضای بازارهای مالی، بهبود امنیت اجتماعی و اقتصادی، افزایش رفاه فرد و جامعه، افزایش هزینه‌های دینی افراد و از جمله کردار پرداخت قرض‌الحسنه که موضوع بررسی ما است. سرمایه دینی اثر همانندی بر بخش‌های دیگر جامعه نیز دارد که اینها از نمونه آنها است. با توجه به موضوع بحث و برای روشن‌تر شدن چگونگی این اثرگذاری و نوع اثر، برای نمونه و به‌طور کوتاه اثر سرمایه دینی بر گسترش کردار پرداخت قرض‌الحسنه را توضیح می‌دهیم.

وجود سرمایه دینی فردی موجب می‌شود افراد بر حسب پیوندها، هنجار، تجربه و دانش خود تا جای ممکن کوشش کنند بیشتر به سفارش‌های دینی عمل کنند. از سفارش‌های دینی کمک به نیازمندان است که نمونه آن پرداخت قرض‌الحسنه به نیازمندان دریافت وام است. سفارش دیگر دین حرام بودن ربا و ممنوع بودن دریافت و پرداخت ربا و وام ربایی است. بر این پایه، وجود سرمایه دینی موجب می‌شود افراد برای کمک به دیگران و حمایت مالی و اقتصادی از نیازمندان کوشش کنند. از راه‌های این کمک و پشتیبانی، پرداخت قرض‌الحسنه است که بر این پایه موجب افزایش پرداخت قرض‌الحسنه می‌شود. همچنین سفارش کمک به دیگران و سفارش به انفاق در دین نیز موجب گسترش قرض‌الحسنه می‌شود، زیرا از راه‌های کمک به دیگران و انفاق پرداخت هبات، زکات، صدقات، مشارکت، همیاری، قرض‌الحسنه و مانند اینها است. همچنین توسعه نهادهای دینی مانند مؤسسه‌های قرض‌الحسنه، موجب بهبود امکانات جامعه برای توسعه قرض‌الحسنه می‌شود. از طرف دیگر ممنوع بودن ربا موجب می‌شود افراد برای کردار برابر سفارش‌های دین به توسعه نهادهای قرض‌الحسنه کمک کنند و از این راه نیز فعالیت‌های قرض‌الحسنه گسترش بیابد. علاوه‌بر اینها به

دلیل اینکه در دین پرداخت ربا ممنوع است، اگر سرمایه دینی بیشتر باشد افراد بـر پایـه هنجار، تجربه و دانش خود تا جای ممکن کوشش می‌کننـد وام ربـایی دریافـت نکننـد. اینها همه موجب افزایش کردارهای قرض‌الحسنه با افزایش سرمایه دینی می‌شـوند. و از این راه زمینه‌های بیشتری برای همه گونه‌های قرض‌الحسنه فراهم می‌شود.

پیوندهای دینی افراد موجب هدایت جامعه به سمت و سویی که دین، خواهـان آن است خواهد شد. در واقع وجود پیوند دینی می‌تواند جامعه را به سمت و سـوی مـورد نظر دین ببرد. این عنصر باعث هم‌افزایی سرمایه دینی بین دارندگان پیوند دینی نیز شده و از این راه به فزایندگی اثرگذاری سرمایه دینی در جامعه کمک می‌کنند. آموزش دینی، امکان دستیابی به آگاهی دینی، و فراهم شدن بهتر زمینه و ابزار کردار دینـی مـی‌شـود و در نتیجه موجب فزایندگی اثرگذاری سرمایه دینی بر خود و بر سایر عوامل و مسیرهای گسترش قرض‌الحسنه می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش

اقتصاددانان مسلمان در زمینه عوامل مؤثر بـر رفتارهـای اقتصـادی و نیـز بررسـی‌هـای قرض‌الحسنه، پژوهش‌های مختلفی انجام داده‌اند. با توجه به مباحث اشاره شـده پیشـینه این پژوهش در دو بخش ارائه می‌شود: یک بخش نوشته‌هـای مربـوط قـرض‌الحسـنه و دیگری نوشته‌ها درباره سرمایه دینی. در ابتدا نگاه به موضوع قرض‌الحسنه کـه شـناخته شده‌تر می‌پردازیم و سپس با اندکی توضیح نگاهی به پیشینه بررسی‌های سـرمایه دینـی خواهیم پرداخت.

می‌توان مطالعات مربوط به قرض‌الحسنه را در ٤ گونه، دسته‌بندی کرد:

۱. نوشته‌های فقهی – روایی پیرامون ماهیت و ابعاد قرض‌الحسـنه کـه گسـتردگی زیادی دارد و می‌توان از نمونه آنها به نوشته‌هـای ابراهیمـی (۱۳۷۱)، حبیبیـان (۱۳۸۳)، منان[۳] (۱۹۷۰) و مانند اینها اشاره کرد در دامنه خود جای می‌گیرند.

۲. نوشـته‌هـا در خصـوص ابعـاد مختلـف حسـاب‌هـا و عملکـرد مؤسسـات پرداخت‌کننده قرض‌الحسنه که بیشتر به بررسی تجربی در دامنه علمـی مسـأله پرداخته‌اند، نظیر سهیلی و همکاران (۱۳۸۹)، اسلامی (۱۳۸۵)، صـدر (۱۳۸٤)،

طیبی (۱۳۸۳)، حسن‌زاده و کاظمی (۱۳۸۳)، اسلامی (۱۳۷۵) و مانند اینها اشاره کرد.

۳. بررسی‌های پیرامون رفتار افراد تقاضاکننده قرض‌الحسنه که بیشتر جنبه نظری داشته‌اند و می‌توان از جمله به نوشته‌های توتونچیان (۱۹۷۷)، بن جیلالی[٤] (۱۹۹۵)، اثنی‌عشری و بابایی (۱۳۸۸) و مانند اینها اشاره کرد.

٤. بررسی علمی تجربی پیرامون عوامل اثرگذار بر رفتار افراد و جامعه در کردار پرداخت قرض‌الحسنه (پرداخت) که بسیار محدود است و از جمله مقاله عزتی (۱۳۸۷) و عزتی (۱۳۸۸) در سطح خرد و مقاله حاضر می‌باشد.

در زمینه سرمایه دینی و اثر آن بر متغیّرهای اقتصادی و کردارهای افراد، نوشته‌ها بسیار محدودتر است. به اصلی‌ترین این نوشته‌ها اشاره می‌شود.

عزتی و عاقلی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه مذهبی؛ ماهیت و عناصر تشکیل آن» به ارائه یک مفهوم جدید در ادبیات اقتصادی ایران به نام سرمایه دینی می‌پردازند. ایشان ضمن تبیین مفهوم و ابعاد این سرمایه دینی ، اثر آن بر رشد و توسعه اقتصادی را تحلیل می‌کنند و این اثر را در چارچوب مدلی با روش اقتصادسنجی برای استان‌های کشور برآورد می‌کنند.

عزتی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای اثر سرمایه دینی بر مصرف را از دیدگاه نظری تحلیل کرده است. او تحلیل می‌کند که می‌توان سرمایه دینی را در دو بعد سرمایه دینی فردی و سرمایه دینی اجتماعی عامل محرک و برانگیزاننده رفتارهای فردی و اجتماعی و در نتیجه تحول جامعه دانست. دین می‌تواند در وضعیت اقتصادی فردی و اجتماعی اثر مثبت داشته باشد. از آثار سرمایه دینی بر رفتارهای اقتصادی, اثر آن بر مصرف و رفتارهای مصرفی فردی و اجتماعی است. ایجاد وظایف و سفارش‌های ویژه دینی در باره رفتارهای مصرفی و توزیع درآمد در صورت وجود ایمان کافی و نیز سرمایه دینی مناسب و کافی در جامعه، موجب تغییر مقدار مصرف طبقات جامعه، نوع کالاها و خدمات مصرفی افراد و جامعه و نیز تغییر توزیع مقادیر درآمد و مصرف در جامعه می‌شود. این مباحث تحلیل شده و در قالب توابع مصرف (مخارج) فردی و اجتماعی

وارد شده است. بر اساس این مقاله می‌توان تابع هزینه‌های دینی افراد یعنی هزینه در راه‌های سفارش شده دین مانند انفاق و قرض‌الحسنه به دست آورد.

عزتی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تخمین تابع انفاق در ایران اثر متغیّرهای سرمایه دینی، درآمد، ثروت و سن سرپرست خانوار را بر انفاق و رفتار تابع انفاق با توجه به آموزه‌های اسلامی برآورد کرده‌اند و تابع انفاق در ایران را به صورت تجربی تخمین زده‌اند. در این بررسی تابع مورد یاد شده به روش داده‌های تابلویی اقتصادسنجی برآورد شده است. داده‌های مورد استفاده، داده‌های استان‌های کشور برای سال‌های ۱۳۸٦-۱۳۷۹ بوده است. در این بررسی اندازه نهادهای دینی جامعه نماینده سرمایه دینی دانسته شده و در جایگاه متغیّر وارد مدل شده است. این بررسی نشان می‌دهد: تابع انفاق به صورت تابعی فزاینده از درآمد سرانه استانی، دارایی فردی و سرمایه دینی است.

مهرگان و دلیری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان نقش سرمایه مذهبی در توسعه اقتصادی، با مروری بر وضعیت اقتصادی کشورها به صورت توصیفی برخی اثرهای سرمایه دینی بر توسعه اقتصادی بیان کرده‌اند.

مهرگان و دلیری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی یا سرمایه دینی، کدام یک برای اقتصاد مطلوب‌ترند»، به توضیح و تحلیل درباره تفاوت‌های این دو مفهوم سرمایه پرداخته‌اند.

مهاجری (۱۳۹۱) در یک بررسی کلان با داده‌های تابلویی استان‌های کشور برای سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۹به براورد اثر سرمایه دینی بر رشد اقتصادی استان‌ها پرداخته است. سرمایه دینی در این نوشتار هم مانند مقاله‌های یاد شده، تعداد نهادهای دینی در جامعه بوده است. نتیجه این بررسی نیز اثر مثبت سرمایه دینی بر رشد اقتصادی استان‌ها بوده است.

عزتی و شفیعی (۱۳۹۲) به ارزیابی اثر بازارهای مالی و سرمایه دینی بر انفاق پرداخته‌اند. این بررسی نیز نهادهای دینی را نماینده سرمایه دینی در جامعه دانسته است. در این بررسی تابع انفاق به روش داده‌های تابلویی اقتصادسنجی برآورد شده است. داده‌های این بررسی نیز استانی و برای سال‌های ۱۳۸٦-۱۳۷۹ بوده است. این

بررسی نشان می‌دهد: انفاق تابع گسترش بازارهای مالی، درآمد سرانه استانی، دارایی افراد و سرمایه دینی است.

عزتی و قربانزاده (۱۳۹۵) در یک بررسی تجربی اثر سرمایه دینی را بر اندازه و نوع مصرف خانوارها بررسی کرده‌اند. در این بررسی داده‌های خانوار بر پایه داده‌های آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار برای سال‌های ۱۳۸٤-۱۳۹۱ گرفته شده و اطلاعات کلان نیز از بانک داده‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران به دست آمده است. روش تحلیل، روش داده‌های تابلویی اقتصادسنجی بوده است که بررسی برای استان‌های کشور در این دوره انجام شده است. یافته اصلی این بررسی آن است که سرمایه دینی موجب کاهش هزینه‌های تجملی و افزایش هزینه‌های ضروری می‌شود..

٤. معرفی متغیّرهای مدل و تحلیل نظری آنها

در این قسمت سعی می‌شود متغیّرهایی که در این پژوهش وارد مدل می‌کنیم معرفی شوند این متغیّرها مبلغ قرض‌الحسنه پرداخت شده فرد در یک سال (۱۳۹٤)، درآمد سالانه خانوار، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری خانوار، سود دریافتی از سرمایه‌های مالی، سن سرپرست خانوار، دارایی (ملکی)، داشتن پس‌انداز، تعداد اعضای خانوار، تحصیلات سرپرست خانوار و سرمایه دینی است که هر یک توضیح کوتاهی داده می‌شوند.

٤-۱. پرداخت قرض‌الحسنه

مبلغ قرض‌الحسنه پرداخت شده فرد در یک سال (۱۳۹٤) در چارچوب پرسشنامه از افراد پرسش شده است و داده‌های آن در دو بخش قرض‌الحسنه پرداختی به افراد دیگر و نیز موجودی حساب‌های قرض‌الحسنه پرسش شده و جمع آنها قرض‌الحسنه پرداختی دانسته شده است. هر چند حساب قرض‌الحسنه می‌تواند متفاوت از پرداخت قرض‌الحسنه به افراد باشد، ولی این هم قرض‌الحسنه است و افراد با صرف نظر کردن از سود این پول در جای دیگر و حساب‌های دیگر آن را در حساب قرض‌الحسنه نگهداری می‌کنند. این داده‌ها واقعیت رخ داده رفتار افراد است.

٤-۲. درآمد

یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر انجام کـردار هزینـه‌دار، ماننـد انفـاق‌هـا کـه نمونـه آن قرض‌الحسنه است، درآمد می‌باشد. برابر نظریه، افرادی که درآمد بیشتری دارند سفارش شده به کمک بیشتر به دیگران هستند. بر این پایه اگر رفتار مردم برابر دسـتورهای دیـن باشد باید با افزایش درآمد اندازه پرداخت قرض‌الحسنه آنها افزایش بیابد. از سوی دیگر پرداخت‌های قرض‌الحسنه از نوع استفاده شخصی نیست و سود آن برای دیگران اسـت، اشباع شدنی نیست و نمی‌توان برای آن محدودیت سقف دید. بر این پایه، می‌توان ایـن ادعا را از نگاه نظری مطرح کرد که اندازه پرداخت‌های قرض‌الحسنه نسبت بـه افـزایش درآمد می‌تواند حتی فزاینده نیز باشد. برای این متغیّر از افراد درآمد اصلی آنهـا در یـک سال پرسش شده است که پایه این متغیّر دانسته شده است.

٤-۳. سود سرمایه‌های مالی

در این پژوهش برای بررسی اثر کردار مالی بر پرداخت‌های قـرض‌الحسـنه، سـودهـای دریافتی فرد از همه کردارهای مالی مانند سپرده‌ها، اوراق بهادار، پرداخت وام به دیگران و مانند اینها در سال ۱۳۹٤ پرسش شده است و با هم جمع شده است. مجموع اینها بـه عنوان سود حاصل از کردارهای مالی یک متغیّر شده و وارد مدل شده است. این سودها دو اثر می‌تواند بر قرض‌الحسنه داشته باشد. یکی اینکـه بـا افـزایش آن درآمـد افـزایش می‌یابد و توانـد پرداخـت قـرض‌الحسـنه افـزایش مـی‌یابـد و دیگـری اینکـه وجـود و برخـورداری از ایـن سـود افـراد را تحریـک مـی‌کنـد پـول بیشـتری در ایـن کارهـا سرمایه‌گذاری کنند و می‌تواند جایگزین پرداخت قرض‌الحسنه که یک کـار مـالی دیگـر است باشد و آن را کاهش دهد.

٤-٤. درآمد سرمایه‌گذاری خانوار

در این پژوهش برای بررسی اثر کردار مالی دیگر در چارچوب سرمایه‌گذاری اقتصـادی بر پرداخت‌های قرض‌الحسنه، سودهای حاصل از سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکتی فرد در سال ۱۳۹٤ پرسش شده است و جمع آن در جایگاه یک متغیّر وارد مدل شده است. این سودها نیز می‌تواند دو اثر بر قرض‌الحسنه داشته باشـد. یکـی اینکـه بـا افـزایش آن

درآمد افزایش می‌یابد و توان پرداخت قرض‌الحسنه افزایش می‌یابد و دیگری اینکه وجود و برخورداری از این سودها افراد را تحریک می‌کند پول بیشتری در این کارها سرمایه‌گذاری کنند و می‌تواند جایگزین پرداخت قرض‌الحسنه که یک کار مالی دیگر است باشد و آن را کاهش دهد.

٤-٥. دارایی (ملکی)

یکی از عامل‌های اصلی توان مالی افراد دارایی آنها است. از آنجا که دارایی‌های ملکی غیر از دارایی‌های مالی افراد می‌تواند توان اقتصادی فرد را نشان دهد و این توان عاملی برای افزایش پرداخت‌ها (هزینه‌ها) در زمینه‌های گوناگون است، در اینجا کوشش شده است اندازه واحد مسکونی در چارچوب متراژ واحد مسکونی خانواده به عنوان متغیّر نماینده دارایی ملکی وارد مدل شود. این متغیّر در بسیاری از بررسی‌ها در جایگاه نماینده دارایی وارد مدل می‌شود.

٤-٦. داشتن پس‌انداز

داشتن پس‌انداز، به معنای داشتن پولی است که شخص به‌طور موقت آن را نیاز ندارد و آن را برای آینده نگهداری می‌کند یا اینکه آن را در حساب بانکی گذاشته است و از سود آن بهره می‌برد و این می‌تواند خود یک ظرفیت برای دادن قرض‌الحسنه باشد. بر این پایه کسانی که پس‌انداز دارند، امکان پرداخت قرض‌الحسنه را نیز دارند و با فرض برخورداری از ایمان، با افزایش پس‌انداز می‌تواند پرداخت قرض‌الحسنه افزایش یابد. بر این پایه پس‌انداز نیز به عنوان یک عامل ایجاد توانایی پرداخت قرض‌الحسنه وارد مدل شده است.

٤-٧. سن

چنانچه در بحث نظری گفته شد با افزایش سن، چون فرد به زندگی پس از مرگ نزدیک‌تر می‌شود، موجب افزایش هزینه‌ها و کردارهای در راه خدا می‌شود. بر این پایه انتظار است با افزایش سن و ثابت بودن دیگر شرایط و برخورداری از ایمان هزینه‌های در راه خدا مانند پرداخت قرض‌الحسنه افزایش بیابد. هر چند ممکن است افراد باسن بالاتر به علت‌های گوناگون نوع هزینه‌های در راه خدای متفاوتی داشته باشند. سن به

عنوان یک متغیّر اثرگذار بر پرداخت قرض‌الحسنه وارد مدل شده است.

٤-٨. تحصیلات

تحصیلات از نگاه آموزش می‌تواند نگاه افراد به موضوع‌ها را تغییر دهد. در این زمینه افزایش آگاهی‌ها و بهبود دانش افراد، اگر در راستای شناخت بهتر اثرهای پرداخت قرض‌الحسنه باشد، می‌تواند موجب آن شود که افراد در پرداخت قرض‌الحسنه مشارکت بیشتری داشته باشند.

٤-٩. تعداد اعضای خانوار

افزایش تعداد اعضای خانوار موجب می‌شود افراد هزینه‌های زندگی بیشتری داشته باشند. بر این پایه با افزایش نیاز فردی و خانوادگی، درآمد و دارایی بیشتری از افراد در این راه هزینه می‌شود و بر این پایه مبلغ کمتری از دارایی برای پرداخت قرض‌الحسنه در دست افراد باقی می‌ماند و در نتیجه این کردار کمتر می‌شود.

٤-١٠. سرمایه دینی

بر پایه آنچه در بحث نظری اشاره شد، در این پژوهش به عنوان نماینده نشان‌دهنده سرمایه دینی از سنجه ژنراتور منابع استفاده می‌شود. این سنجه نخست برای اندازه سرمایه اجتماعی در چارچوب پیوندهای اجتماعی در خارج از موضوع دین به کار رفته شده است و از سوی عزتی و باغچقی (١٣٩٤) در همان چارچوب، برای سرمایه دینی بازآفرینی شده و به کار گرفته شده است. در اینجا در این خصوص توضیح بیشتری داده می‌شود تا موضوع روشن‌تر شود.

ما در این پژوهش می‌خواهیم ژنراتور منابع را برای سنجش سرمایه دینی به کار بگیریم. ژنراتور منابع ابزاری است که برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در سطح فردی به کار برده شده است. این شیوه بیشتر بر وجود پیوندها در شبکه‌ها تمرکز دارد (Lin Fu & Hsung 2001 ؛Lin & Dumin, 1986).

این روش دسترسی عضوهای شبکه‌ها را به جایگاه‌های (پرستیژ جایگاه‌های ویژه) اندازه‌گیری می‌کند که نشان‌دهنده مجموعه منابع اجتماعی است که بر پایه اعتبار جایگاه‌ها در یک جامعه به دست می‌آید (Lin, 2001). هدف این ابزار شناسایی منابع

گوناگون در شبکه فرد است. در این روش، اندازه دسترسی فرد به جایگاه‌ها و شدت و عمق پیوندی که فرد با دارندگان جایگاه‌های در دسترس دارد، سنجیده می‌شود. این ابزار نشان می‌دهد که هر کسی چه اندازه به جایگاه‌های دارای پرستیژ بالا دسترسی دارد و چه اندازه شبکه او دارای گوناگونی و گستردگی است.

برای این سنجه، پرسشنامه به کار برده می‌شود و فهرستی از چند جایگاه به پاسخگو داده و از او پرسیده می‌شود که آیا عضوهای خانواده، دوستان و آشنایان او دارای این جایگاه‌ها هستند؟ بر این پایه دسترسی پاسخگو به منابع اجتماعی سنجیده می‌شود. به کارگیری این شیوه، آسان و سریع است و امکان طراحی پرسشنامه آن متناسب با گروه‌های مختلف وجود دارد. البته طراحان می‌بایست برای تدوین پرسشنامه، تصور روشنی از منابع اجتماعی حاصل از جایگاه‌ها و پرستیژ آنها داشته باشند. برای جداسازی سرمایه دینی از سرمایه اجتماعی در پرسشنامه، جایگاه‌های دینی آورده می‌شود. این جایگاه‌های دینی به جای جایگاه‌های اجتماعی که در سرمایه اجتماعی سنجیده می‌شود آورده می‌شود. مانند اینکه پرسیده می‌شود آیا شما رئیس یک مؤسسه خیریه را می‌شناسید یا آیا شما یک روحانی را می‌شناسید و جایگاه‌های دیگر مانند اینها. به این‌گونه دسترسی پاسخگو به منابع دینی سنجیده می‌شود. گفتنی است که پرسشنامه ژنراتور منابع که در این پژوهش به کار می‌رود در پایه مبتنی‌بر پژوهش‌های انجام شده در هلند (Van Der Gaag, 2004 ؛Moerbeek, 2001 ؛Boxman et al, 1991) و آلمان (Volker & Flap, 1999 ؛Volker, 1995) می‌باشد.

فعالیت‌های یاد شده جایگاه‌ها (شغل‌ها و پست‌های) غیردینی را در پرسشنامه آورده‌اند، ولی ما پرسشنامه ویژه سرمایه دینی را با ۲۰ پرسش به کار می‌گیریم که همه پرسش‌های کار ما به جایگاه‌های دینی می‌پردازد تا سرمایه دینی سنجیده شود. مانند: آیا شما یک عضو هیأت امنای یک مسجد را می‌شناسید؟ آیا شما یک عضو درجه یک خانواده مرجع تقلید را می‌شناسید؟. آیا شما یک مدیر (یا عضو هیأت مدیره یا هیأت امنا یا مؤسس) یک مؤسسه یا بنیاد خیریه را می‌شناسید؟. آیا شما یک روحانی نماینده مجلس را می‌شناسید؟ آیا شما یک مدیر کاروان حج یا کاروان زیارتی را می‌شناسید؟ در این پرسشنامه چنین فرض شده است که این مجموعه از جایگاه‌ها نماینده خوبی از

همه جایگاه‌های دینی در کشور هستند که دسترسی به آنها برای افراد امکان ایجاد منابع دینی را فراهم می‌کند.

در این پرسشنامه پرسش پایه این است که آیا پاسخگو کسی را در هر یک از این جایگاه‌ها می‌شناسد. «شناختن کسی» در این پرسشنامه به معنای آن است که در روبرو شدن با او (دارنده جایگاه)، پاسخگو بتواند نام او را به یاد آورده و به آسانی با وی گفتگو کند. در پی آن از پاسخگو خواسته می‌شود که تعیین کند که دارنده آن جایگاه از آشنایان وی است یا، دوستان و یا عضوهای خانواده وی است. تفسیر درست در این بخش‌بندی و جداسازی میان آشنا، دوست و عضو خانواده به پاسخگو واگذار می‌شود[۵] (Van Der Gaag, 2004).

در ایران نیز در این زمینه چند بررسی انجام شده است. نجارزاده و همکاران (۱۳۸۲) در مقاله اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی با استفاده از ژنراتور موقعیت، به بررسی سرمایه اجتماعی در میان نخبگان استان تهران پرداخته‌اند. این بررسی تنها یک کاربرد از همان پرسشنامه برای سرمایه اجتماعی است. همچنین عزتی و باغچقی (۱۳۸٤الف) به طراحی و اندازه‌گیری سرمایه دینی بر پایه این ابزار میان دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس پرداخته‌اند. همچنین عزتی و باغچقی (۱۳۹٤ب) در تکمیل اینکار به ارزیابی اثر این سرمایه دینی بر نوآوری میان دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس پرداخته‌اند. در این بررسی اثر سرمایه دینی بر نوآوری مثبت یافته شده است.

در بررسی ما ۲۰ جایگاه دینی شناسایی شده است و پرسش دسترسی به هر جایگاه، یک پرسش جداگانه بوده است و جمع دسترسی‌ها نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی دینی فرد دانسته شده است.

۵. برازش مدل

در این قسمت سعی می‌شود تابع اندازه پرداخت‌های قرض‌الحسنه افراد به صورت تجربی برآورد شود. پیش از آن جامعه آماری و نمونه توضیح داده می‌شود و مدل معرفی خواهد شد.

۵-۱. جامعه و نمونه

جامعه آماری این بررسی خانوارهای ساکن در شهر زاهدان است که بر پایه فرمول کوکران تعداد نمونه برای چنین بررسی‌ای در سطح اعتماد ۹۵ درصد می‌تواند دست کم ٤٨٦ تا باشد. روش نمونه‌گیری تصادفی بر پایه مراجعه به محل کار شهروندان دارای مشاغل غیر دولتی در خیابان‌های اصلی شهر زاهدان تا پر شدن دست کم تعداد ۵۰۰ پرسشنامه معتبر و قابل استفاده در پژوهش بوده است.

۵-۲. مدل

در این بررسی بر پایه نظریه و توضیح داده شده در این زمینه مدل زیر ساخته شده است که برآورد می‌شود:

$$QH = C + \beta_1 RC + \beta_2 DA + \beta_3 SE + \beta_4 DM + \beta_5 DS + \beta_6 BF + \beta_7 PA + \beta_8 TA + \beta_9 TE + u \quad (۱)$$

که در آن متغیّرها چنین تعریف می‌شوند:

- QH: مبلغ قرض‌الحسنه پرداخت شده در سال ۱۳۹٤.
- RC: سرمایه دینی (TRC سرمایه دینی کل، URC سرمایه دینی پرستیژ بالا و DRC سرمایه دینی پرستیژ پایین).
- DA: درآمد شغلی یک سال ۱۳۹٤ خانوار.
- SE: سن سرپرست خانوار.
- DM: متراژ واحد مسکونی (نماینده دارایی ملکی).
- BF: سود دارایی‌های مالی خانوار در سال ۱۳۹٤.
- DS: درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌های غیرمالی خانوار در سال ۱۳۹٤.
- PA: پس‌انداز خانوار در پایان سال ۱۳۹٤.
- TA: تحصیلات سرپرست خانوار.
- TE: تعداد اعضای خانوار.

۵-۳. برآورد و تحلیل الگو

مدل ارائه شده در اینجا به دو شکل، یکی خطی و دیگری لگاریتمی برآورد می‌شود. همچنین چون سرمایه دینی با این روش در چارچوب ۳ اندازه کل، پرستیژ بالا و پرستیژ پایین اندازه‌گیری شده است، مدل با جایگزینی این ۳ در مدل برگزیده برآورد

می‌شود و نتیجه با معیارهای برازش خوب ارزیابی می‌شود و مدل بهتر توضیح داده می‌شود. نخست مدل خطی ۱ با همه متغیّرهای توضیح داده شده در بالا برآورد شد. با متغیّر وابسته مبلغ قرض‌الحسنه پرداختی و متغیّر سرمایه دینی کل در آن آمده است. در این مدل که در جدول ۱ آورده شده است، متغیّرهای تعداد اعضای خانوار، تحصیلات سرپرست خانوار و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خانوار معنادار نبوده‌اند. مدل بار دیگر با حذف این ۳ متغیّر برآورد شده است. این براورد با نام مدل ۲ خطی در جدول ۱ آورده شده است. آر دو مدل تغییر چندانی نداشته است، تنها ضریب متغیّر درآمد معناداری کمتری یافته است. آماره F مدل نیز بهبود یافته است. از آنجا که متغیّر درآمد بر پایه نظریه متغیّر مهمی است و باید در مدل نگهداشت و همچنین چون بخشی از درآمد در چارچوب سود دارایی‌ها و فعالیت‌های مالی به عنوان متغیّر دیگر وارد مدل شده است، ممکن است اندکی معناداری این متغیّر کمتر شده است، افزون بر اینها در مدل لگاریتمی نیز معناداری این متغیّر حدود ۹۰٪ است، می‌توانیم مدل را با همین شرایط بپذیریم. برای بررسی بیشتر این مدل بدون عرض از مبدا و با حذف متغیّر درآمد نیز برآورد شده است که در مدل‌های ۳ خطی و ٤ خطی نشان داده شده است. چنانچه دیده می‌شود نتیجه مدل تغییر چندانی نداشته است و می‌توان نتیجه همان مدل دو را بهترین دانست. برای بررسی بیشتر مدل به شکل لگاریتمی دوطرفه نیز برآورد شد که نتیجه آن با نام مدل لگاریتمی دوطرفه در جدول ۱ آورده شده است. هر چند در این مدل ضریب متغیّر درآمد بهبود یافته است ولی ضریب متغیّرهای دیگر از معناداری کمتری برخوردار شده‌اند. همچنین آر دو مدل نیزکاهش یافته است. بر این پایه مدل لگاریتمی توضیح‌دهندگی کمتری دارد و مدل خطی برآن برتری دارد. بر این پایه می‌توان گفت مدل ۲ خطی بر پایه جمع‌بندی از ۲ معیار پشتوانه نظری و سازگار بودن با نظریه و نیز خوبی برازش پذیرفتنی‌تر است و مدل لگاریتمی چندان خوب نیست. آر دو تعدیل شده مدل حدود ٦۰ درصد است که با توجه به مقطعی بودن داده‌ها توضیح‌دهندگی خوب به شمار می‌رود. همچنین آماره F نیز نشان از برازش خوب این مدل و پذیرفتنی بودن آن با سطح اعتماد ۹۹ ٪ دارد.

جدول (۱). نتایج برازش مدل مناسب برای پرستیژ کل (متغیّر وابسته مبلغ قرض‌الحسنه پرداختی QH)

نوع مدل / متغیّر توضیح‌دهنده	خطی – مدل ۱		خطی – مدل ۲		خطی – مدل ۳		خطی – مدل ٤		لگاریتمی دوطرفه	
	β	t	β	t	β	t	β	t	β	t
C	-2623546.05	-0.688	116603.26	0.047	-	-	424242.44	0.1740	-3.1777	-1.402
TRC	127847.44	1.709	136058.55	1.893	136870.74	1.962	143515.03	2.0040	0.0932	0.933
SE	-11947159	-2.356	-107345.91	-2.321	-105735.71	-3.358	-103092.43	-2.2353	-0.4100	-1.272
DA	0.0208	1.225	0.0192	1.1558	0.0192	-1.170	-	-	0.2280	1.590
BF	0.8135	11.497	0.7745	14.657	0.7743	14.709	0.7923	15.6735	0.6075	4.713
PA	0.12280	3.773	0.1257	3.926	0.1256	3.930	0.1398	4.7235	0.2709	2.129
DM	28554.29	2.724	30539.72	2.967	30748.707	3.307	29947.31	2.9122	0.4851	2.173
DS	-0.0319	-0.799	-	-	-	-	-	-	-	-

TAH	374342.21	0.739	-	-	-	-	-	-	-
TED	540556.99	1.180	-	-	-	-	-	-	-
R^2	0.601		0.599		0.599		0.598		0.441
Ad.R^2	0.594		0.594		0.595		0.594		0.423
F	81.68		122.82		-		147.02		23.84
D-W	1.77		1.89		1.87		1.87		1.711

منبع: یافته‌های تحقیق

بر این پایه می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که متغیّر سرمایه دینی (با به کارگیری ژنراتور منابع) بر اندازه قرض‌الحسنه پرداختی افراد اثر مثبت دارد. یعنی با افزایش سرمایه دینی، افراد به پرداخت قرض‌الحسنه بیشتری اقدام می‌کنند. ضریب این متغیّر برابر ۱۳٦۰۵۸ است و بر پایه آن با افزایش هر واحد سرمایه دینی افراد بیش از ۱۳٦ هزار ریال در سال پرداخت قرض‌الحسنه آنها افزایش یافته است. این نشان‌دهنده آن است که می‌توان برای رواج قرض‌الحسنه و سیاست‌گذاری در این زمینه با بهبود سرمایه دینی، رفتار پرداخت قرض‌الحسنه را بهبود داد.

ضریب متغیّر سن بر پرداخت قرض‌الحسنه منفی است و به معنای آن است که با افزایش سن، پرداخت‌کنندگان قرض‌الحسنه، مبلغ پرداختی آنها برای اینکار در راه خدا کاهش یافته است و به معنای آن است که جوان‌ترها قرض‌الحسنه بیشتری می‌پردازند. این نکته با فرض ایستایی زمان با نظریه سازگاری کمتری دارد.

با این همه می‌توان این ناسازگاری را اینگونه توجیه کرد که در ایران به ویژه در جامعه سنتی‌تر افراد دارای سن بیشتر درآمد کمتر دارند و همچنین شرایط هزینه زندگی و نیز موقعیت اجتماعی آنها هزینه‌هایشان را افزایش می‌دهد و افزون بر آن ممکن است این افراد زمان بیشتری برای کار خیر داشته باشند و کردار در راه خدای آنها به شیوه-های دیگر انجام شود. بر این پایه در این مدل چنین ضریبی به دست امده است.

همچنین ضریب متغیّر درآمد نیز مثبت و برابر نظریه است و به معنای آن است که با افزایش درآمد پرداخت قرض‌الحسنه (در راه خدا) افزایش می‌یابد. این ضریب نشان می‌دهد با افزایش هر هزار ریال در درآمد سالانه افراد، ۲۰ ریال پرداخت قرض‌الحسنه آنها افزایش یافته است. نکته مهم این است که با افزایش درآمد حاصل از سود دارایی‌های مالی، پرداخت قرض‌الحسنه افزایش می‌یابد و این ضریب نشان می‌دهد به ازای افزایش هزار ریال در سود دریافتی دارایی‌های مالی نزدیک ۸۰۰ ریال پرداخت قرض‌الحسنه آنها افزایش یافته است.

همچنین برخورداری از پس‌انداز نیز بر رفتار پرداخت قرض‌الحسنه اثر مثبت داشته است و ضریب آن نشان می‌دهد با افزایش هزار ریال در پس‌انداز افراد، آنها ۱۲۷ ریال آن را در راه خدا به قرض‌الحسنه تخصیص داده‌اند. دارایی ملکی نیز دارای ضریب مثبت است و نشان می‌دهد دارایان قرض‌الحسنه بیشتری می‌پردازند و این نیز مانند متغیّرهای یاد شده با نظریه سازگاری دارد.

در بررسی سرمایه دینی با روش ژنراتور منابع، می‌توان سرمایه دینی کل را به ۳ بخش میانه، بالا و پایین جدا کرد و میانه آن کنار گذاشته می‌شود (برای آن دلیل وجود دارد که برای آگاهی منبع‌های اصلی دیده شود). دو سرمایه پرستیژ بالا و پایین می‌مانند که تفاوت دسترسی به منابع کیفیت منابع را نشان می‌دهد. این دو برای هر فرد اندازه‌گیری می‌شود. در این بررسی نیز اینکار انجام شده است. برای تحلیل بهتر می‌توان اثر هر یک از این دو را جداگانه بررسی کرد.

برای اینکار ما به جای سرمایه دینی کل یک بار سرمایه دینی پرستیژ پایین و یک بار سرمایه دینی پرستیژ بالا را در مدل می‌گذاریم و برآوردها را انجام می‌دهیم. نتیجه این برآوردها در جدول ۲ آورده شده است.

جدول (۲). نتایج برازش مدل برای سرمایه دینی پرستیژ بالا و پایین

خطی برای پرستیژ بالا		نوع مدل / متغیّر توضیح‌دهنده	خطی برای پرستیژ پایین		نوع مدل / متغیّر توضیح‌دهنده
t	β		t	β	
0.472	1135400.14	C	-0.148	-357750.52	C
0.325	89965.05	U RC	3.304	945003.93	DRC
-2.378	-110309.39	SEN	-2.298	-105495.14	SE
1.267	0.0212	DAR	1.260	0.0207	DA
14.862	0.7850	IBY1	14.612	0.7662	BF
3.929	0.1266	PAS	3.879	0.1233	PA
2.934	30424.85	ZIR	2.921	29850.62	DM
0.596		R^2	0.605		R^2
0.591		$Ad.R^2$	0.600		$Ad.R^2$
121.39		F	125.848		F
8.420		D-W	1.877		D-W

منبع: یافته‌های تحقیق

برآورد مدل رفتار پرداخت قرض‌الحسنه با متغیّر سرمایه دینی پرستیژ پایین نشان می‌دهد ضریب این متغیّر در مقایسه با متغیّر سرمایه دینی کل از معناداری بهتری برخوردار است. همچنین با آوردن این متغیّر به جای متغیّر سرمایه دینی کل، معناداری متغیّر درآمد اندکی بهبود یافته و نیز توضیح‌دهندگی مدل (آر دو) نیز اندکی بهبود یافته است. در برابر این با آوردن متغیّر سرمایه دینی پرستیژ بالا به جای متغیّر سرمایه دینی کل، معناداری متغیّرهای دیگر چندان تغییر نکرده است، ولی این متغیّر (سرمایه دین پرستیژ بالا) معنادار نیست. همچنین توضیح دهندگی مدل (آر دو) تغییر نکرده است. با این همه، از میان این ۳ مدل مدلی که در آن متغیّر سرمایه دینی پایین آورده شده است از معناداری و توضیح دهندکی اندکی بهتر برخوردار است. با توجه به اینکه در سرمایه دینی کل هر دو بخش پرستیژ بالا و پایین آمده‌اند، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که افراد دارای دسترسی به سرمایه دینی پرستیژ پایین رفتار پرداخت قرض‌الحسنه، بیشتری نسبت به دیگران دارند و در برابر این، افراد دارای سرمایه دینی پرستیژ بالا در رفتار پرداخت قرض‌الحسنه با دیگران تفاوت معناداری ندارند و رفتار پرداخت قرض‌الحسنه ایشان بیشتر تابع دیگر متغیّرها است.

نکته دارای ارزش تحلیلی دیگر این است که در این بررسی سرمایه دینی پرستیژ

پایین با دسترسی به افرادی مانند مالک فروشگاه کالاهای مذهبی، مدیر کاروان حج یا کاروان زیارتی، عضو هیأت امنای مسجد، مدیر (یا عضو هیأت مدیره یا هیأت امنا یا مؤسس) یک هیأت مذهبی، مدیر (یا عضو هیأت مدیره یا هیأت امنا یا مؤسس) حسنیه، مهدیه، فاطمیه، زینبیه و امامزاده تعریف شده است و سرمایه دینی پرستیژ بالا با دسترسی به افرادی مانند مرجع تقلید، روحانی برجسته علمی، روحانی که استاد دانشگاه هم باشد، مدیر (یا عضو هیأت مدیره یا هیأت امنا یا مؤسس) یک مؤسسه یا بنیاد خیریه و نویسنده کتاب‌های مذهبی تعریف شده است. این تعریف بر پایه گرفتن نظر برخی متخصصان این حوزه به دست آمده است. بر این پایه می‌توان گفت کسانی که در میان مردم هستند و با افراد برجسته دینی دسترسی ندارند، ولی به افراد دینی عام‌تر دسترسی دارند در پرداخت قرض‌الحسنه پیش‌دستی دارند. ولی کسانی که به افراد دینی برجسته دسترسی دارند در پرداخت قرض‌الحسنه پیشگام نیستند و این دسترسی آنها اثر مثبتی بر رفتار پرداخت قرض‌الحسنه آنها نداشته است. به سخن دیگر عامل تعیین‌کننده سرمایه دینی در توضیح‌دهندگی رفتار قرض‌الحسنه در جامعه دسترسی به نهادهای عمومی دینی –نه نهادها و افراد برجسته دینی– است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چنانچه در بررسی اقتصادسنجی دیدیم، رفتار پرداخت قرض‌الحسنه افراد جامعه تابعی مثبت از سرمایه دینی، درآمد، دارایی، سود فعالیت‌های مالی، برخورداری از پس‌انداز است، ولی با سن افراد رابطه منفی دارد. همچنین این رابطه‌ها خطی است و تابع خطی نسبت به تابع نمایی توضیح‌دهندگی برتری دارد. البته اینها همه عواملی نیست که بر پرداخت قرض‌الحسنه اثر دارند. آردو نیز نشان می‌دهد که بخشی از تغییرات قرض‌الحسنه پرداختی به عوامل دیگر بستگی دارد. بر پایه نظریه برخی از عوامل دیگر مانند دستیابی به جایزه سپرده قرض‌الحسنه، احساس رضایت دنیایی، ارضا حس نوع دوستی، وجود نوع دوستی و مانند اینها نیز می‌تواند بر پرداخت قرض‌الحسنه اثر داشته باشد.

بر این پایه رابطه مثبت پرداخت‌های قرض‌الحسنه با سرمایه دینی نشان می‌دهد که وجود سرمایه دینی یکی از عوامل مهم اثرگذار بر این کردار در راه خدای افراد است.

این نیز نشان‌گر اثر دین بر کردار در راه خدا است. ولی نکته مهم در اینجا آن است که دسترسی به افراد برجسته دینی اثر معناداری بر این پرداخت افراد ندارد، بلکه آنچه در سرمایه دینی این رفتار را می‌سازد دسترسی به افراد و نهادهای دینی مردمی و عمومی‌تر است که در جامعه گسترده‌تر هستند.

ضریب سود فعالیت‌ها و سرمایه‌های مالی نیز گویای این است که فعالیت افراد در بازارهای مالی اثر منفی بر کردار پرداخت قرض‌الحسنه ندارد، بلکه این افراد نیز با حفظ برخورداری از دین، به این سرمایه‌گذاری می‌پردازند. نکته مهم در این زمینه آن است که با افزایش همه درآمدها و دارایی‌ها، پرداخت قرض‌الحسنه افزایش می‌یابد و این به معنای آن است که دارایان جامعه در راه خدا بیشتر پرداخت قرض‌الحسنه دارند و با این نظریه که دارایان پرداخت‌های مالی در راه خدای بیشتری دارند سازگار است.

بر این پایه برای سیاست‌گذاری در جهت گسترش نهاد قرض‌الحسنه می‌توان به سرمایه دینی و گسترش آن اتکا کرد، ولی این گسترش هنگامی اثر گذار است که در بخش سرمایه پرستیژ پایین انجام شود و نهادهای همگانی دینی افزایش یابند و وجود و در دسترس بودن نهادها و افراد برجسته دینی جایگاه معناداری در این سیاست نخواهند داشت. در همین راستا می‌توان بر روی مشارکت دارایان در آن کردار خداپسندانه نیز حساب باز کرد و برای برخورداری از این دارایی ارزشمند در جهت گسترش پرداخت قرض‌الحسنه و تأمین نیازهای برخی نیازمندان از این راه برنامه‌ریزی کرد.

یادداشت‌ها

۱. برای اطلاع بیشتر درباره سرمایه دینی (عزتی و عاقلی، ۱۳۸۷ و عزتی، ۱۳۸۸) رجوع شود.
۲. از جمله برای اطلاع از مفهوم سرمایه دینی در مطالعات غیراسلامی به دادگر و عزتی (۱۳۸۱) مراجعه شود.

3. M. A. Mannan
4. B. Bendjilali
5. Van Der Gaag

کتابنامه

ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۱)، *قرض‌الحسنه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ابونوری، اسماعیل و افسانه قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸٦)، «قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد ارزیابی اثر ارزش‌افزوده با استفاده از داد ه‌های پانل بین استانی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۸، صص ۱۳۹-۱٦٤.

اثنی‌عشری، ابوالقاسم و محمدرضا بابایی سمیرمی (۱۳۸۸)، «برآورد تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های ایران»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۵۱، صص ۹۳-۱۰٤.

اسلامی، زهرا (۱۳۷۵)، «بررسی عملکرد سیستم بانکی و صندوق‌های قرض‌الحسنه در خصوص سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه ۷۳-۱۳٦۸»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۲)، *قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی*، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.

حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۳)، «قرض‌الحسنه: نگرشی تفسیری – روایی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱٦، صص ۱۱-۳٤.

حسن‌زاده، علی و مهین‌دخت کاظمی (۱۳۸۳)، «صندوق‌های قرض‌الحسنه: ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار کشور»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱٦، صص ۵۷-۷۵.

خان‌محمدی، محسن (۱۳۹٤)، «اثر سرمایه دینی بر رشد اقتصادی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه خوارزمی.

سهیلی، کیومرث و مجتبی الماسی و الهام لرستانی (۱۳۸۹)، «مقایسه کارایی عقد قرض‌الحسنه و عقود مشارکتی در بانکداری بدون ربا به روش تحلیل پوششی داده‌ها، مطالعه موردی بانک ملت استان کرمانشاه»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، شماره ٤، صص ۷۱-۹٤.

شفیعی، علی (۱۳۹۰)، «برآورد تابع انفاق در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

شهریاری، لیلا (۱۳۹۲)، «برآورد اثر سرمایه مذهبی بر شاخص سلامت در ایران»، تهران: مجموعه مقالات هفتمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.

صادقی، حسین و مرتضی عزتی و علی شفیعی (۱۳۹۲)، «برآورد تابع انفاق در ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، شماره ٤٦، صص ٦١-٨٤.

صدر، سید کاظم (۱۳۷۵)، *اقتصاد صدر اسلام*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

صدر، سیدکاظم و زهرا عباسی (۱۳۸٤)، «محاسبه هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۹، صص ۱۱-٤٤.

صدیقی، محمد نجات‌اله (۱۳۷۵) *مباحثی در اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*، مترجم حسین صادقی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

طیبی، کمیل (۱۳۸۳)، «بررسی تحولات صندوق‌های قرض‌الحسنه استان اصفهان»، تهران: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

عرب‌مازار، عباس و سعید کی‌قبادی (۱۳۸۵)، «اندیشه و جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۲، صص ۱۱-٤٦.

عزتی، مرتضی (۱۳۸۲)، «اثر ایمان دینی بر رفتار مصرف‌کننده»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۱، صص ۱۱-۳٤.

عزتی، مرتضی (۱۳۸٤)، «تخمین تابع مخارج مذهبی (مخارج در راه خدا) مسلمانان»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۸، صص ۸۹-۱۱۲.

عزتی، مرتضی (۱۳۸۸)، «اثر سرمایه مذهبی بر مصرف»، قم: مجموعه مقالات اصلاح الگوی مصرف، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

عزتی، مرتضی (۱۳۹۰)، «اثر سرمایه مذهبی بر توسعه فعالیت‌های قرض‌الحسنه در کشور»، تهران: همایش نقش بانکداری اسلامی در تأمین مالی، دانشگاه تربیت مدرس.

عزتی، مرتضی (۱۳۹٤)، *اقتصاد خرد ۳: تحلیل رفتارهای اقتصادی در چارچوب اسلامی*، تهران، سمت.

عزتی، مرتضی و علی شفیعی (۱۳۹۱)، «برآورد اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق در ایران»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ٤٦، صص ٦٣-۹۲.

عزتی، مرتضی و محدثه نجفی (۱۳۹۲)، «برآورد اثر سرمایه دینی و اقتصاد دانش پایه بر قرض‌الحسنه در ایران»، تهران: مجموعه مقالات هفتمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.

عزتی، مرتضی و مرضیه باغچقی (۱۳۹٤ الف)، «طراحی سنجه و اندازه‌گیری سرمایه دینی اجتماعی بر پایه مولد جایگاه»، *جستارهای اقتصادی*، شماره ۲٤، صص ۱۲۹-۱٦۰.

عزتی، مرتضی و مرضیه باغچقی (۱۳۹٤ ب)، «تحلیل اثر سرمایه دینی اجتماعی بر نوآوری (میان دانشجویان دکتری دانشگاه تربیت مدرس)»، *مجلس و راهبرد*، شماره ۸٤، صص ۲۵۵-۳۰۱.

فیوضات، ابراهیم و مهدی مهدوی (۱۳۸۵)، «دولت و تشکل‌های مردمی با مروری بر دو تجربه تعاونی‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه»، *علوم اجتماعی*، شماره ۸، صص ۸۳-۱۰٤.

لشکری، محمد و زکیه مهرپارسا (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه ایمان به خدا بر رفتار مصرف‌کننده»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۲، صص ۱۱۳-۱۲۸.

مهاجری، مهدی (۱۳۹۰)، «اثر سرمایه دینی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور در یک مدل رشد درونزا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

نجارزاده، رضا و مرتضی عزتی و محمد سلیمانی (۱۳۹۲)، «اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در میان نخبگان (مطالعه موردی نخبگان استان تهران)»، *مجلس و راهبرد*، شماره ۷٦، صص. ۱۷۹-۲۱۲.

نجارزاده، رضا و مرتضی عزتی و محمد سلیمانی (۱۳۹۳)، «اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در میان نخبگان استان تهران (با استفاده از تکنیک مولد منابع)»، *رشد و توسعه اقتصادی*، شماره ۱٦، صص ۸۹-۱۰٤.

Agell, J., & Persson, M. (2001). On the Analytics of the Dynamic Laffer Curve. *Journal of Monetary Economics*, *48*(2), 397-414.

Bali, T. G., & Thurston, T. (2000). Empirical Estimates of Inflation Tax Laffer Surfaces: a 30-Country Study. *Journal of Development Economics*, *63*(2), 529-546.

Boxman, E. A., De Graaf, P. M., & Flap, H. D. (1991). The Impact of Social and Human Capital on the Income Attainment of Dutch Managers. *Social Networks*, *13*(1), 51-73.

Hlebec, V., & Kogovsek, T. (2011). How (not) to Measure Social Support Networks: the Name Generator vs. the Role Relation Approach. *Metodoloski Zvezki*, *8*(2), 191.

Kahf, M. (1973). *A Contribution to the Study of the Economics of Islamic*, Utah U.S.A.: Univ. of Utah, S.L.C.

Kahf, M. (1974). *A Model of the Household Decision in Islamic Economy*, Association of Muslim Social Scientists, Proceeding, Third National Seminar, Gary, Indiana, May.

Kahf, M., & Ahmad, K. (1980). A Contribution to the Theory of Consumer Behaviour in an Islamic Society. *Studies in Islamic Economics*, *24*.

Khan, M. F. (1986). Macro Consumption Function in an Islamic Framework. In *Contributions to Islamic Economic Theory*, Palgrave Macmillan UK, 140-165.

Khan, M. F. (1992). Theory of Consumer Behavior in Islamic Perspective. *Lectures on Islamic Economics, Islamic Research and Training Institute, IDB, Jeddah*.

Lévy-Garboua, L., Masclet, D., & Montmarquette, C. (2009). A behavioral Laffer Curve: Emergence of a Social Norm of Fairness in a Real Effort Experiment. *Journal of Economic Psychology*, *30*(2), 147-161.

Lin, N. (2001). *Building a Network Theory of Social Capital*. In: Lin, N., Cook, K.; Burt, R.S. (eds.) \Social Capital: Theory and Research, New York: Aldine De Gruyter.

Lin, N., & Dumin, M. (1986). Access to Occupations Through Social Ties. *Social Networks*, *8*(4), 365-385.

Lin, N. & Fu, Y. & Hsung, R. (2001). *The Position Generator: Measurement Techniques for Social Capital*. In: Lin, N. & Cook, K. & Burt, R.S. (eds.) Social Capital: Theory and Research, New York: Aldine De Gruyter.

Munawar, Zakah. I. (1986). Moderation and Aggregate Consumption in a Islamic Economy, *Journal of Research in Islamic Economics*, 3(2).

Mannan, M. A. (1986). *Islamic Economics: Theory and Practice: Foundations of Islamic Economics*. Sevenoaks, Kent,, UK: Hodder and Stoughton.

Marin, A., & Hampton, K. N. (2007). Simplifying the Personal Network Name Generator Alternatives to Traditional Multiple and Single Name Generators. *Field Methods*, *19*(2), 163-193.

Mannan, M. A. (1984). *The Making of Islamic Economic Society: Islamic Dimensions in Economic Analysis*. International Association of Islamic Banks.

Michael, R. Pakko (1984), "The Making of Islamic Economic Society: Islamic Dimensions in Economic Analysis", *International Association of Islamic Banks*, Cairo.

Moerbeek, H. H. S. (2001). *Friends and Foes in the Occupational Career: The Influence of Sweet and Sour Social Capital on the Labour Market*. [Sl: sn].

Novales, A., & Ruiz, J. (2002). Dynamic laffer curves. *Journal of Economic Dynamics and Control*, *27*(2), 181-206.

Pakko, M. R. (2000). Do High Interest Rates Stem Capital Outflows?. *Economics Letters*, *67*(2), 187-192.

Siddiqi, M. N. (1972). *The economic enterprise in Islam* (No. 54). Delhi: Markazi Maktaba Islami.

Schijf, H. (1996). Should auld Acquaintance be Forgot...? Institutions of Communism, the Transition to Capitalism and Personal Networks: the Case of East Germany. *Mens en Maatschappij*, *71*(3), 255-256.

Van der Gaag, M. P., & Snijders, T. A. (2004). Proposals for the Measurement of Individual Social Capital. *Creation and Returns of Social Capital*, 199-218.

Van Der Gaag, M., & Snijders, T. A. (2005). The Resource Generator: Social Capital Quantification With Concrete Items. *Social Networks*, *27*(1), 1-29.

Van Der Gaag, M., Appelhof, G. J., & Webber, M. (2011). Ambiguities in Responses to the Position Generator.

Völker, B., & Flap, H. (1999). Getting Ahead in the GDR Social Capital and Status Attainment Under Communism. *Acta Sociologica*, *42*(1), 17-34.

Van Der Gaag, M., Appelhof, G. J., & Webber, M. (2012). Ambiguità Nelle Risposte al Position Generator. *Sociologia e Politiche Sociali*.

Islamic Finance Researches, Vol. 6, No. 1 (Serial 11) Autumn 2016 & Winter 2017

Effect of Religious Capital on Qartholhasan Payment Behavior

Morteza Ezzati*
Parviz Nasirkhani**
Maryam Hoseini***

Received: 31/08/2016
Accepted: 31/10/2016

Economic behaviors are among the main issues in economy, especially Islamic economy. In this context, one of the weaknesses of the Islamic economics is the scarcity of experimental study on Muslims' behaviors. This paper has done an experimental study to estimate the effect of religious social capital on Qartholhasan payment behavior at the micro level using resource generator tool along with income, age and property. The data were collected through survey and questionnaires and analyzed by econometric method. The survey population was the households in the city of Zahedan and the sampling consisted of 504 heads of households in the community. The results show that religious capital, property, income, bank deposits and received interest have a significant effect on Qardholhasan payment. Also, the household size and education have meaningful effect on that. Innovations of this paper are the empirically testing at micro-level of the Islamic doctrine, entering the religious capital based on recognized scientific tools in the survey, along with other variables that influence economic behavior.

Keywords: Qartholhasan, Religious Capital, Consumer Behavior, Investment

JEL Classification: C23, E62, Z12

* Assistant Professor, Tarbiyat Modares University, (Corresponding Author), mezzati@modares.ac.ir

** Assistant Professor, Payam-e-Noor University, parnasirkhani@gmail.com

*** M.A, Payam-e-Noor University, m.hosseini_edu@yahoo.com